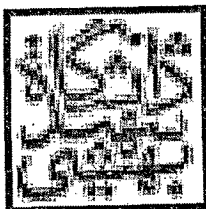


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۱۲۰۷۲



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

بررسی اختیارات و وظایف دادستان در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه

استاد راهنما:

دکتر محمدعلی اردبیلی

اساتید مشاور:

دکتر رضا نوربها

دکتر رجب گلدوست جویباری

پژوهشگر:

غلامحسن کوشکی

۱۳۸۸ / ۱ / ۱۸

سال تحصیلی ۱۳۸۷

۱۱۲۰۷۳

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۹۴/۱۱/۱۲
۱۸/۱/۲۹

برای

پدرم که فداکاری را از او آموختم .

مادرم که جانم را لبریز از محبت کرد .

همسرم که وجودش طلوع همه آفتابهای زندگیم است .

نام: غلامحسین

نام خانوادگی: کوشکی

دانشکده: حقوق

رشته تحصیلی: حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقطع: دکتری

استاد راهنما: دکتر محمدعلی اردبیلی

عنوان پایان‌نامه: بررسی اختیارات و وظایف تاریخ فراغت تحصیل: ۱۳۸۷/۹/۱۱

دادستان در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه

چکیده

با وقوع جرم، ارکان و نهادهای مختلف نظام عدالت کیفری امکانات خود را جهت مقابله با جرم بسیج می‌کنند. دادسرا و دادستان به عنوان اولین نهاد قضایی در مواجهه با جرم نقش به‌سزایی در تشکیل و تکویم و به ثمر نشستن دعوی کیفری را برعهده دارد. اهمیت این نهاد به اندازه‌ای است که می‌توان گفت که توفیق یا عدم توفیق سیاست کیفری تا حد زیادی مرحوم عمل نهاد دادسرا و شخص دادستان است.

بدون شک بین توفیق دادستان در انجام وظایف محوله و ساختار و سازمان آن رابطه تنگاتنگی وجود دارد. به دلیل اینکه دولت به عنوان نماینده عموم مردم در موضوع امنیت مسئولیت دارد باید بتواند ارتباطی منطقی و سازمانی با دادسرا جهت تأمین امنیت داشته باشد. بنابراین برقراری وابستگی میان دادسرا و قوه مجریه با در نظر گرفتن استقلال قضات دادسرا اجتناب‌ناپذیر است. وظایف و اختیارات دادستان تحت تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی و برای نیل به اهداف سیاست جنایی و گسترش رویکردهای عدالت ترمیمی متنوع و متعدد شده است، به گونه‌ای که سخن از فردی کردن پاسخ کیفری در مرحله تعقیب می‌شود. از سوی دیگر به دلیل گسترش جرائم سازمان یافته و توسعه رویکرد امنیتی به حقوق کیفری اختیارات دادستان در این زمینه‌ها گسترش پیدا کرده است.

کلید واژگان: دادسرا، دادستان، آیین دادرسی کیفری، تعقیب کیفری، تحقیقات مقدماتی

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
بخش نخست: مبانی تعقیب دعوای عمومی و پیگیری آن	
مقدمه بخش.....	۲
فصل نخست: مبانی پیدایش و ساختار نهاد داسرا و دادستان.....	۳
مبحث نخست: مبانی پیدایش داسرا و دادستان در فرآیند کیفری.....	۳
گفتار نخست: حمایت از منافع عمومی.....	۴
الف) طرف یا مدعی دعوای عمومی.....	۴
ب) نظارت قضایی بر فرآیند تحقیقات ابتدایی.....	۱۳
ج) داسرا مجری سیاست جنایی.....	۱۳
گفتار دوم: حمایت از حقوق فردی.....	۱۷
الف) حمایت از حقوق و آزادی‌های متهم.....	۱۷
ب) حمایت از حقوق بزه‌دیده.....	۲۳
ج) تفکیک وظایف قضایی.....	۳۰
۱) مفهوم و مبانی تفکیک مقاطع مختلف در فرآیند کیفری.....	۳۰
۲) ظهور و بروز اصل.....	۳۳
۳) تفکیک مقام تعقیب از تحقیق.....	۳۶
۴) تفکیک مقام تعقیب از رسیدگی.....	۳۷
مبحث دوم: جایگاه سازمانی دادستان و داسرا.....	۴۲
گفتار نخست: جایگاه درون سازمانی.....	۴۲
الف) ترکیب و ساختار نهاد داسرا.....	۴۲
۱) داسرای دیوان کشور.....	۴۲
۲) داسراهای مراجع بدوی.....	۵۶
ب) دادستان رییس نهاد داسرا.....	۶۳
گفتار دوم: جایگاه برون سازمانی.....	۶۸
الف) وابستگی به قوه قضائیه.....	۶۸
ب) وابستگی به قوه مجریه.....	۶۹
ج) موضع حقوق ایران و فرانسه در قبال وابستگی داسرا.....	۷۲

فصل دوم: شرایط و موانع اقامه دعوی عمومی.....	۷۷
مبحث نخست: شرایط مقدماتی اقامه دعوی عمومی.....	۷۷
گفتار نخست: وجود صلاحیت.....	۷۷
الف) اعمال قواعد صلاحیت.....	۷۸
۱) صلاحیت ذاتی (مادی).....	۷۸
۲) صلاحیت محلی.....	۸۸
ب) چگونگی حل اختلاف صلاحیت در دادسرا.....	۹۷
گفتار دوم: جهات قانونی شروع به تعقیب دعوی عمومی.....	۹۹
الف) شکایت شاکی.....	۱۰۰
ب) اعلام جرم.....	۱۰۱
ج) سایر وسائل اطلاعاتی.....	۱۰۴
گفتار سوم: اقدامات تحقیقی دادستان.....	۱۰۵
الف) اقدامات تحقیقی ناظر به اشخاص.....	۱۱۱
۱) احضار و جلب اشخاص.....	۱۱۱
۲) تحت نظر.....	۱۱۴
۳) کنترل هویت.....	۱۱۸
۴) دستور جستجو و تحقیق.....	۱۱۹
۵) تحت مراقبت قرار دادن اشخاص و (اموال).....	۱۲۰
۶) عملیات نفوذ در باندهای مجرمانه.....	۱۲۱
۷) نیابت قضایی.....	۱۲۲
ب) اقدامات تحقیقی ناظر به اموال.....	۱۲۳
۱) بازرسی و تفتیش.....	۱۲۳
۱-۱) بازرسی از اقامتگاه.....	۱۲۳
۲-۱) بازرسی از وسائل نقلیه.....	۱۲۶
۲) توقیف و ضبط.....	۱۲۸
۳) کنترل و شنود.....	۱۳۰
۴) کارشناسی.....	۱۳۲
۵) معاینه محلی و تحقیق محلی.....	۱۳۴
گفتار چهارم: دادستان و وظیفه اقامه دلیل.....	۱۳۵

الف) عنصر قانونی.....	۱۳۷
ب) عنصر مادی.....	۱۴۲
۱) دلیل فعل یا ترک فعل.....	۱۴۲
۲) دلیل انتساب اعمال.....	۱۴۳
ج) عنصر معنوی.....	۱۴۴
مبحث دوم: فقدان موانع تعقیب دعوای عمومی.....	۱۴۵
گفتار نخست: فقدان موانع موقتی تعقیب دعوای عمومی.....	۱۴۵
الف) عدم شکایت شاکی.....	۱۴۵
ب) مصونیت‌ها.....	۱۴۷
۱) مصونیت سیاسی.....	۱۴۸
۲) مصونیت قضایی.....	۱۵۴
ج) اناطه.....	۱۵۵
گفتار دوم: فقدان موانع دائمی تعقیب دعوای عمومی.....	۱۵۶
الف) فوت متهم.....	۱۵۶
ب) عفو.....	۱۶۰
ج) اعتبار امر مختوم.....	۱۶۲
د) نسخ قانون کیفری.....	۱۶۵
ه) مرور زمان.....	۱۶۶
۱) قلمروی مرور زمان.....	۱۶۶
۲) مهلت‌های مرور زمان.....	۱۶۸
و) مصالحه و سازش.....	۱۷۲
ز) استرداد شکایت.....	۱۷۳
ح) وقوع علل رافع مسؤولیت کیفری و علل موجهه جرم.....	۱۷۴

بخش دوم: اقامه و اعمال دعوای عمومی

مقدمه بخش.....	۱۷۸
فصل نخست: دادستان و سیستم قانونی بودن و یا متناسب بودن تعقیب.....	۱۸۰
مبحث نخست: انتخاب گرایش قانونی بودن تعقیب و یا تناسب تعقیب.....	۱۸۰
گفتار نخست: سیستم قانونی بودن تعقیب کیفری.....	۱۸۰

گفتار دوم: سیستم تناسب تعقیب کیفری.....	۱۸۲
مبحث دوم: اختیارات دادستان در اعمال تعقیب دعوای عمومی.....	۱۸۷
گفتار نخست: تصمیم به عدم تعقیب دعوای عمومی.....	۱۸۷
الف) بایگانی کردن پرونده.....	۱۸۸
۱) اسباب موجهه بایگانی کردن پرونده.....	۱۹۰
۲) آثار صدور دستور بایگانی کردن پرونده.....	۱۹۱
ب) جایگزین‌های تعقیب دعوای عمومی.....	۱۹۲
۱) جایگزین‌های ترمیمی.....	۱۹۳
۱-۱) تذکر قانونی.....	۱۹۴
۲-۱) هدایت شخص به سوی یک مرکز بهداشتی یا اجتماعی یا حرفه‌ای.....	۱۹۶
۳-۱) تقاضا از شخص مبنی بر تنظیم وضعیت خود با قانون و آیین‌نامه.....	۱۹۸
۴-۱) تقاضا از شخص مبنی بر جبران خسارت وارده.....	۱۹۹
۵-۱) «میانجیگری» با رضایت طرفین.....	۱۹۹
۲) جایگزین تنبیهی.....	۲۰۵
گفتار دوم: تصمیم به تعقیب دعوای عمومی و شیوه‌های اجرای آن.....	۲۰۹
الف) اشکال و شیوه تعقیب دعوای در پرونده‌های پیچیده.....	۲۱۰
ب) اشکال و شیوه تعقیب دعوای در پرونده‌های سبک.....	۲۱۲
۱) احضار فوری به دادگاه.....	۲۱۲
۲) احضار با صورت جلسه.....	۲۱۴
۳) احضار همراه با پذیرش مقدماتی مجرمیت.....	۲۱۵
۴) دادرسی اختصاری.....	۲۱۸
فصل دوم: اقدامات نظارتی و اجرایی.....	۲۲۰
مبحث نخست: اقدامات نظارتی دادستان.....	۲۲۰
گفتار نخست: ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری.....	۲۲۰
الف) اطلاع دادستان از اقدامات سالب آزادی توسط پلیس.....	۲۲۲
ب) نظارت بر مکانهای تحت نظر.....	۲۲۴
ج) اعلام کشف جرم به دادستان.....	۲۲۷
د) سیاستهای تشویقی دادستان نسبت به افسران پلیس قضایی.....	۲۲۸
گفتار دوم: نظارتهای قضایی دادستان.....	۲۲۹

الف) نظارت بر اقدامات بازپرس	۲۲۹
۱) تقاضای دادستان مبنی بر انجام اقدامات تحقیقی خاص	۲۳۱
۲) حق اعتراض به قرارهای بازپرس و قاضی آزادی‌ها و بازداشت	۲۳۵
۳) دادستان و قرار بازداشت موقت	۲۳۷
ب) حضور در جلسه دادگاه و دفاع از کیفرخواست	۲۴۰
ج) اعتراض به احکام کیفری	۲۴۸
مبحث دوم: اقدامات اجرایی دادستان در مرحله اجرای احکام کیفری	۲۵۱
گفتار نخست: مقام اجرای مجازاتها	۲۵۱
گفتار دوم: اختیارات دادستان و قاضی اجرای مجازاتها در اجرای احکام کیفری	۲۶۰
الف) اجرای مجازاتهای سالب حیات و بدنی	۲۶۱
ب) مجازاتهای سالب آزادی	۲۶۹
۱) نحوه شروع به اجرای مجازات حبس	۲۷۱
۲) تصمیم‌های قضایی مربوط به شخص زندانی در دوران تحمل حبس	۲۷۴
۱-۲) انتقال زندانی	۲۷۴
۲-۲) مرخصی زندانی	۲۷۶
۳-۲) تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان	۲۷۹
۳) پایان حبس و شیوه‌های آزادی از زندان	۲۸۰
۱-۳) تعلیق و تقسیط کیفر	۲۸۰
۲-۳) تخفیف مجازات	۲۸۱
۳-۳) استقرار محکوم در خارج از زندان و بهره‌مندی از نظام نیمه آزادی	۲۸۲
۴-۳) استقرار تحت نظارت الکترونیکی	۲۸۳
۵-۳) آزادی مشروط	۲۸۵
۶-۳) تعلیق اجرای مجازات	۲۸۶
ج) مجازاتهای محدودکننده آزادی و یا سالب حقوق	۲۸۸
د) مجازاتهای مالی	۲۹۱
نتیجه‌گیری و پیشنهادها	۲۹۶
فهرست منابع	۳۱۵

با وقوع جرم، ارکان و نهادهای مختلف نظام عدالت کیفری امکانات خود را جهت مقابله با جرم بسیج می‌کنند. دادسرا و دادستان به عنوان اولین نهاد قضایی در مواجهه با جرم، نقش مهمی را در ابتدای فرآیند کیفری جهت مقابله و کشف جرم برعهده دارد؛ زیرا جمع‌آوری دلائل و مدیریت قضایی پرونده در ابتدا برعهده دادستان است و ضابطان دادگستری تحت نظارت وی انجام وظیفه می‌کنند. از سوی دیگر، در نظامهای مختلف عدالت کیفری، دادستان حق ارزیابی و اتخاذ تصمیم در مورد تعقیب و یا عدم تعقیب دعوای کیفری برعهده دارد. همچنین دادستان در طول فرآیند کیفری با ارائه کیفرخواست و دفاع از آن، می‌تواند دادگاه را در جهت کشف حقیقت و اتخاذ تصمیمی منطبق با عدالت یاری رساند. در نهایت، دادستان بعد از قطعیت رأی وظیفه پیگیری اجرای احکام کیفری را برعهده دارد. در این مرحله است که نتیجه تلاشهای نظام عدالت کیفری باید ثمر دهد و دادستان به عنوان مقام تعقیب باید تا انتها در کنار دیگر مراجع قضایی و به جهت مصالح عمومی و حفظ حقوق فردی متهم و شاکی، نقش خود را به خوبی ایفاء کند. بدین ترتیب، توفیق یا عدم توفیق سیاست کیفری تا حد زیادی مرهون عملکرد نهاد دادسرا و دادستان است. به منظور تنظیم شیوه مقابله با جرم و نحوه برخورد با متهم و شاکی و شهود و دیگر اشخاص ذینفع فرآیند کیفری و نحوه تحصیل دلیل و برگزاری جلسات دادگاه و در نهایت تبیین چگونگی اجرای احکام کیفری، قانون آئین دادرسی کیفری به عنوان یکی از قوانین اساسی و مهم در زمینه حقوق کیفری، تدوین و تصویب می‌شود. یکی از مسائل و موضوعات مهم در تدوین قوانین این است که اهداف و سیاستهای کلان خود را مشخص کرده و با تعیین ساختار و سازمانی مناسب زمینه عملیاتی کردن آنها را فراهم کنیم. دادستان و دادسرا چنان نقش مهمی را در فرآیند کیفری ایفاء می‌کند که ایجاد هر

گونه تحول در قواعد آئین دادرسی کیفری از طریق نهاد دادسرا و دادستان صورت می‌گیرد. بنابراین نقش دادستان در فرآیند کیفری نقشی محوری و اساسی است. مطالعه و تأمل پیرامون وظایف و اختیارات و جایگاه وی، ما را در جهت نیل به عدالت که خواسته اصلی نظام عدالت کیفری است، کمک می‌کند.

الف) بیان مسأله و اهمیت موضوع

برقراری نظم و امنیت در جامعه یکی از دغدغه‌های عمده حکومتها است و همواره مأموران و مقاماتی جهت مقابله با جرم و ناهنجاریها اختصاص می‌دهند. پیشینه تاریخی ملل مختلف و وجود آثار پر بار حقوقی و کتیبه‌های معروف از قبیل کورش نامه و قانون حمورابی بر حاکمیت قانون و وجود سازمانهایی بدین منظور صحه می‌گذارد.^۱

این سازمانها مسؤول برقراری نظم و آسایش عمومی در جامعه بوده‌اند و به نامهای گوناگون و صور مختلف و متناسب با شرائط و اوضاع و احوال جوامع وجود داشته‌اند. به عنوان مثال واژه‌های «دات» و «چیتردات» در زبان پهلوی به معنی «قانون» و «ریشه» است. همین واژه‌ها به خوبی بیانگر این موضوع است که وجود قانون، مستلزم وجود مجری قانون است.^۲ در همین راستا باید در این دوره به وجود سازمانهای ساده‌ای که مجری قانون بوده‌اند، اذعان کرد. اعلامیه کورش که مشهور به اولین اعلامیه جهانی حقوق بشر یا منشور حقوق بشر است، به خوبی دلالت بر این موضوع می‌کند. در دوره وی اقدامات مختلفی به منظور نظارت بر عملکرد فرماندهان، نصب و تعیین داوران، رسیدگی به شکایت‌های مردم، انتخاب افرادی به عنوان خبرگیرنده و خبردهنده به منظور دستگیری متخلفین، صورت گرفته است. در دوره ساسانیان،

۱. بادامچی، حسین (به کوشش)؛ تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان؛ آغاز قانونگذاری؛ طرح نو؛ چاپ نخست؛ ۱۳۸۲؛ صص ۲۷ - ۳۳؛ کرمی،

محمدباقر؛ مقدمه‌ای بر نظام کیفری باستان؛ خط سوم؛ چاپ نخست؛ ۱۳۸۰؛ صص ۱۱۵ - ۱۱۳.

۲. رحیمی، حسن؛ «دادرسی در ایران باستان»؛ مجله دادرسی؛ شماره سوم؛ زمستان ۱۳۶۸.

شهریانی سازمانی مؤثر و نیرومند بود و در هر محل نیرویی تحت فرماندهی شخصی لایق وجود داشت. این نیروها مسئول انتظامات شهر بودند و هر جا جرمی اتفاق می افتاد، دستگیری متهم و کشف جرم از وظایف آنها بود. بعد از ظهور اسلام در ایران و استیلای خلفای مسلمین، ضرورت ایجاد سازمان اداری و انتظامی ای به منظور برقراری نظم و امنیت احساس شد. در عصر بنی امیه «شرطه» ایجاد شد. در دوران حکومت خلفای عباسی سازمان پلیس را شرطه می گفتند.^۱ در ابتدا وظیفه اصلی شرطه یافتن مخالفان بود. در حقیقت وظیفه پلیس بیشتر سیاسی بود. عدم اعتماد دستگاه خلافت به حدی بود که رئیس شرطه وظیفه جاسوسی و مراقبت از حکام را نیز برعهده داشت و بر این اساس رؤسای شرطه در شهرهای بزرگ توسط خلیفه انتخاب می شدند. در عصر بنی عباس اداره شرطه زیر نظر قاضی شهر قرار گرفت و در حقیقت پلیس ارگان اجرایی نهادهای قضایی محسوب می شد و وظایف شرطه در این عصر استقرار نظم در شهر و جلوگیری از تخلف و اجرای اوامر قاضیان بود. دیوان شرطه در این عصر تحت نظر دیوان مظالم قرار داشت. دیوان مظالم نقش عدلیه و دادگستری امروزی را ایفاء می کرد. قضات دیوان مظالم برای ضمانت بخشیدن به احکام خود از نیروهای دیوان شرطه استفاده می کردند. دیوان شرطه دارای اشخاصی به نام اعوان، یاران، پاسبان و شبگردان بود. پس از دوره عباسی، سازمان «حسبه» برقرار شد. واژه حسبه به معنی شمارش و برشمردن و از واژه احتساب است. واژه احتساب به معنی پاداش و مزد است. مقامی به نام محتسب، ریاست حسبه را برعهده داشت و اخلاق عمومی و نظم عمومی شهر، تحت نظارت محتسب قرار داشت. او همچنین اجازه داشت که متخلفین را مجازات کند.^۲

۱. راوندی، مرتضی؛ سیر قانون و دادگستری در ایران؛ نشر چشمه؛ کتابسرای بابل؛ چاپ اول؛ ۱۳۶۸؛ ص ۲۷.

۲. ساکت، محمدحسین؛ نهاد دادرسی در اسلام؛ انتشارات آستان قدس رضوی؛ ۱۳۶۵؛ صص ۲۵ و ۲۶.

در عصر صفویه نیز اشخاصی به نامهای مختلف از قبیل داروغه، میرشب، کشیک چی یا کلانتر، عهده‌دار نظم و امنیت شهر بودند.^۱ بالاخره با وقوع انقلاب مشروطه در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هجری قمری و متمم آن در ۲۹ شعبان ۱۳۲۹ هجری قمری، در تاریخ یازدهم شهریور سال ۱۲۹۰ قانون اصول محاکمات جزایی به تصویب رسید. این قانون از قانون اصول محاکمات فرانسه اقتباس شده بود و به روش مختلط فرانسوی مراحل تعقیب، تحقیق و دادرسی را از هم جدا می‌کرد. در این روش، دادسرا (پارکه) عهده‌دار امر تعقیب بود. این قانون با تحولات بعدی بر محاکم ایران حکومت داشت که در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۱۵ با تصویب و اجرای مقررات دادگاههای عمومی و انقلاب از دادگاههای عمومی ملغی شد. مقررات دادرسی کیفری ایران با استناد به فقه اسلامی به سیستم وحدت قاضی در مرحله تحقیق و دادرسی روی آورد. این روش به علل متعدد در عمل توفیقی حاصل نکرد و با تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در سال ۱۳۸۱، سیستم دادسرا به تدریج در ایران احیاء شد.

در سابق به دادستان «مدعی العموم» یا «وکیل جماعت» اطلاق می‌شد که در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی معادل فارسی دادستان برای این واژه‌ها انتخاب شد.

علت کاربرد این واژه‌ها آن است که دادستان به نمایندگی از جامعه متهم را تحت تعقیب قرار می‌دهد. به منظور درک اهمیت و نحوه فعالیت دادسرا، باید جریان پیدایش، تکوین و تکامل آن را در مهد ایجاد آن یعنی فرانسه مورد بررسی قرار داد. دادسرا که در زبان فرانسه از آن به «پارکه»^۲ یاد می‌شود، یک نهاد اصیل نظام حقوقی فرانسه محسوب می‌شود که تحت تأثیر آن

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به: قاسمپور، ابوالقاسم؛ ضابطین قوه قضاییه و وظایف آنها در قانون آیین دادرسی کیفری؛

انتشارات افق امید؛ چاپ اول؛ ۱۳۸۱؛ ص ۹.

امروزه در بسیاری از کشورهای جهان ایجاد شده است. وجه تسمیه دادسرا به «پارکه» محل بحث است. برخی بر این باورند که این واژه یادگار دورانی است که نماینده پادشاه، قاضی نبود و جایگاه خاصی نداشت و وظایف خود را روی پارکه و کف پوش چوبی سالن دادگاه انجام می داد. برخی دیگر بر این باورند که واژه «پارکه» بدین علت مطرح شده است که در سالنهای دادگاهها، دادرسان دادسرا از طریق سکوی کوچکی از دادرسان نشسته جدا می شدند.^۱

تاریخ این نهاد کاملاً با نظامهای دادرسی مرتبط است. در روم و یونان قدیم و جوامع ابتدایی به دلیل ساده و بسیط بودن جوامع، مشخصات و ویژگیهای نظام اتهامی حاکم بود. بنابراین در بدو پیدایش این جوامع از مطالعات تاریخی اینگونه استنباط می شود که تشکیلات و ساختاری همانند دادسرا عهده دار تعقیب مجرمین و إقامة دعوی عمومی نبوده است. به دلیل ناکار آمدی نظام اتهامی که ابتکار تعقیب دعوی عمومی را به اراده اشخاص خصوصی واگذار می کرد، نظام تفتیشی که در ابتدا تحت تسلط «آیین دادرسی کلیسایی»^۲ بود، به منظور کشف حقیقت و تعقیب مجرمین به وجود آمد. در این نظام، دادسرا با هدف تأمین امنیت عمومی و إقامة دعوی عمومی تأسیس شد. به عبارت دیگر، در این نظام، بزه دیدگان تنها نبودند، بلکه در کنار آنها و حتی بیشتر از آنها دادستان به تلاش جهت جمع آوری ادله و در نهایت اثبات مجرمیت متهم فعال شد. تا قبل از زمان حاکمیت ناپلئون، دادسرا به معنی امروزی وجود نداشت. ولی ریشه نهاد فرانسه به قرن چهاردهم برمی گردد که به دنبال صدور «فرمان بزرگ»^۳ «فیلیپ لبل»^۴ در پانزدهم مارس سال ۱۳۰۳، اعضای دادسرا به هیأت قضایی ملحق شدند.^۵

1. Perrot Roger; *Institutions judiciaires*; Montchrestien; 9^e édition; paris; 2000. p. 400

2. La procédure ecclésiastique.

3. La grande ordonnance.

4. Philippe Le Bel.

5. Carbasse Jean Marie; *Histoire du parquet*; puf; 2000; p. 7.

در این کشور از قرن‌ها پیش سلاطین در محاکم نماینده‌ای داشته است که به نیابت از آنها برای دفاع از منافع آنان در دادگاهها شرکت می‌کردند، به گونه‌ای که «نماینده پادشاه»^۱ محسوب می‌شدند. این موضوع از اوایل قرن چهاردهم صورت دیگری به خود گرفت. به این نحو که اولاً افراد مذکور از وکالت در امور جزئی ممنوع و تنها مدافع حقوق سلطنت شدند. شغل این نمایندگان موروثی بود و به «مدعیان عمومی» شهرت پیدا کردند.

ظهور دانشمندانی چون «مونتسکیو»، «بکاریا» و «کانت» و ظهور مکاتب مختلف حقوقی و روی کار آمدن ناپلئون و انقلاب فرانسه تحول شگرفی در زمینه‌های مختلف حقوقی و از جمله آئین دادرسی کیفری پدید آورد. به گونه‌ای که در سال ۱۸۰۸ «قانون تحقیقات جنایی»^۲ فرانسه تصویب شد. این قانون مورد اقتباس بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله آلمان، ایتالیا، بلژیک و دیگر کشورها از جمله ایران قرار گرفت.

فرآیند دادرسی به پنج مرحله کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای حکم تقسیم می‌شود که به منظور استقلال نهادهایی که هر یک از مراحل پنج‌گانه را انجام می‌دهند، لازم است هر یک از این مراحل به وسیله نهادهای خاصی انجام شود. بر این اساس، کشف جرم وظیفه ضابطان دادگستری، تعقیب متهم وظیفه دادستان، تحقیقات مقدماتی وظیفه بازپرس، رسیدگی برعهده دادگاه و اجرای احکام برعهده قاضی اجرای احکام می‌باشد. به عبارت دیگر، پس از کشف جرم توسط ضابطان دادگستری، دادستان دستور تعقیب متهم را صادر می‌کند. بنابراین دادستان به دلیل وظایفی که برعهده دارد در کلیه مراحل مختلف آئین دادرسی کیفری حضور دارد. بدین منظور دادستان و دادسرا را می‌توان مهم‌ترین تشکیلات موجود در فرآیند کیفری دانست. دادستان در تأمین حقوق فردی و امنیت

1. Procureur du roi

2. Code d'instruction criminelle

در جامعه می‌تواند مؤثر واقع شود. به طور کلی، به دلیل اهمیت نهاد دادرسی، با اینکه نهادی نسبتاً قدیمی می‌باشد؛ ولی همواره کانون مباحث مختلف حقوقی واقع می‌شود. دادرسی را می‌توان محور فرآیند دادرسی کیفری دانست که عمده برنامه‌های سیاست کیفری کشور از طریق آن، عملی می‌شود. بنابراین یکی از دغدغه‌های عمده قانونگذاران در دو کشور تطبیق نهاد دادرسی با شرایط و اوضاع و احوال کشور است و بدین علت دادرسی در معرض بیشترین تغییرات و تحولات بوده است. در نهایت باید اذعان کرد که چنانچه دادرسی و دادستان از کارآمدی لازم برخوردار نباشد، نظام عدالت کیفری در تحقق اهداف خود ناکام می‌ماند.

(ب) علت انتخاب موضوع

با توجه به اهمیت دادستان در نهاد دادرسی و نقشی که در فرآیند کیفری دارد، رساله حاضر به مطالعه تطبیقی «بررسی وظایف و اختیارات دادستان در آئین دادرسی کیفری ایران و فرانسه» اختصاص داده شده است. دلائل متعددی را می‌توان به عنوان علت انتخاب موضوع فوق بیان کرد. نخست به دلیل اینکه نهاد دادرسی، نهادی فرانسوی است. بنابراین ضروری است که این نهاد و تحولات آن را در بستر نظام دادرسی این کشور مورد بررسی قرار داد. دوم نهاد دادرسی در ایران مقتبس از نظام دادرسی کیفری فرانسه بوده است. حال با توجه به اهداف یک مطالعه تطبیقی باید اهداف نهاد دادرسی و دادستان را در دو کشور مورد مطالعه و بررسی قرار داد و تحولات و تغییرات آنها را مورد ارزیابی قرار داد. از طریق چنین مطالعه‌ای است که نقاط ضعف و قوت موضوع فوق روشن می‌شود. سوم، به نظر می‌رسد نهاد دادرسی در عصر حاضر با چالشهای عمده‌ای مواجه است. دادرسی و برقراری امنیت در جامعه، دادرسی و رعایت اصول دادرسی منصفانه، دادرسی و حقوق بزه‌دیده و اقبال و توجه به رویکردهای عدالت ترمیمی در فرآیند کیفری از مهم‌ترین چالشها و موضوعاتی است که باید با دقت و با

توجه به شرایط بزهکاری هر جامعه، پاسخهایی مشخص برای آنها پیدا کرد.

با اینکه تا سال ۱۳۷۳ نهاد دادرسی و تشکیلات آن در کشور وجود داشته است و از سال ۱۳۸۱ نیز دوباره مورد اقبال قانونگذار قرار گرفته است؛ ولی با این حال باید اذعان کرد که دادستان و دادرسیا، علیرغم سابقه مذکور در ایران نیازمند دقت و تأمل در مورد آن است. کارآمدی نهاد دادرسیا وابسته به آن است که فعالیتهای این نهاد در عمل همواره مورد ارزیابی قرار گیرد تا میزان توفیق و یا ناکامی آن مشخص شود. از سوی دیگر آئین دادرسی کیفری و نهادهای آن محصول تجربه بشری است. مطالعات تطبیقی در این زمینه می‌تواند تجربه کشورهای دیگر را به ما منتقل کند و هزینه‌های نظام عدالت کیفری را در مسیر خطا و آزمایش کمتر کند.

ولی در هر صورت در حال حاضر با ایجاد یک تشکیلات قدیمی ولی نوپا در کشور خود شاهد هستیم که ضروری است مورد بررسی و مطالعه عمیق قرار بگیرد.

ج) پیشینه پژوهش

همانطور که در بخش قبلی اشاره شد، دادستان و دادرسیا در تشکیلات فعلی ایران نهادی قدیمی ولی نوپا است. به علت همین قدمت، همواره کانون مباحث مختلف حقوقی بوده است. پایان‌نامه‌های متعددی راجع به وظایف و اختیارات دادستان در فرآیند کیفری نگارش یافته است؛ ولی همانند موضوعات دیگر در این زمینه ما فاقد مطالعه‌ای تطبیقی منسجم و متناسب

۱. پایان‌نامه‌های متعددی در ارتباط با وظایف و اختیارات دادستان در فرآیند کیفری و دادرسیا نگارش یافته است از قبیل:

مراد نژادی، یوسف؛ جایگاه دادرسیا در حقوق ایران مطابق قانون احیاء دادرسیا؛ دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی؛ زمستان ۱۳۸۴.
جهانبخشی، منصور؛ اختیارات و وظایف دادستان و بازپرس در قانون جدید احیاء دادرسیا؛ مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ سال ۱۳۸۳.
باطنی، محمد؛ دادرسیا و نقش آن در اجرای عدالت؛ دانشگاه تربیت مدرس؛ سال ۱۳۷۱.

با روز هستیم. با مطالعه در عناوین رساله‌ها متوجه می‌شویم که فاقد رساله‌ای به صورت اختصاصی با عنوان «وظایف و اختیارات دادستان در آئین دادرسی کیفری ایران و فرانسه» می‌باشیم. هر چند که در کتابهای آئین دادرسی کیفری به مناسبت از مطالعات تطبیقی در این زمینه بهره گرفته شده است و از کتابهای آئین دادرسی کیفری فرانسه ترجمه‌هایی به عمل آمده است؛ ولی با توجه به تحولات و تغییرات قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، در این رساله سعی بر آن شده است که آخرین تحولات قانونی کشور فرانسه در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

د) ضرورت‌های پژوهش

استقرار عدالت در جامعه یکی از خواسته‌ها و مطالبات عمومی از نظام عدالت کیفری است و دادرسی به عنوان مغز و هسته آئین دادرسی کیفری نقش مهمی در به ثمر بخشیدن این خواسته دارد. بنابراین طراحی و ایجاد یک ساختار دقیق و نظام‌مند در دادگستری همواره دغدغه حقوقدانان، سیاستگذاران و مسئولان کشور بوده است. وجود یک دستگاه دادگستری سازمان یافته که از قوانین ماهوی و آئین دادرسی پیشرفته و به روز برخوردار باشد شرط اصلی و گریزناپذیر پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، و مقابله با جرم و ناهنجاری است. بدون استقرار چنین دادگستری‌ای تلاش‌های ملت و سرمایه‌گذارهای دولت راه به جایی نمی‌برد. بدین منظور، یکی از مطالبات مردم در صد سال اخیر تشکیل یک عدلیه مستقل، بی‌طرف و قاطع است. پیدایش دادگستری نوین در ایران به سالهای آغازین سده بیستم برمی‌گردد. در سالهای پایانی حکومت شاهان قاجار به دلیل آشفتگی محاکم شرعی و ستمگری قضات عرفی مردم دست به مبارزه زدند

و خواستار تاسیس «عدالتخانه» شدند^۱. بنابراین موضوع این رساله در صدد تحقیق و تأمل پیرامون نظام دادرسی و وظایف و اختیارات دادستان در پرتو مطالعه‌ای تطبیقی است تا بتوان با بهره‌گیری از آن مسیر تکامل این نهاد با سرعت بیشتری را تداوم بخشید. از سوی دیگر، نهاد دادرسی و دادستان به عنوان اولین نهاد قضایی در کشف جرم می‌تواند نقش بارزی در بالا بردن میزان اعتماد و رضایتمندی عمومی داشته باشد. بنابراین باید از طریق انجام مطالعات متعدد و به ویژه مطالعات تطبیقی زمینه کارایی دادستان و دادرسی را در عمل فراهم کرد. کشف سریع جرم و برقراری امنیت در جامعه از یک سو و تأمین حقوق فردی و آزادیهای مشروع شهروندان در گرو موفقیت نهاد دادرسی در ایفای وظایف مربوط است. هنر یک آئین دادرسی کیفری مرفعی و منصفانه در این است که میان این اهداف به ظاهر متناقض و متعارض تعادل برقرار کند تا زمینه اجرای عدالت فراهم شود. با توجه به وسعت اختیارات و وظایف دادستان می‌توان گفت که اگر کشوری موفق شود متناسب با شرایط فرهنگی اجتماعی خود و با حفظ اصول دادرسی منصفانه، دادرسی کیفری منسجم و دقیقی در این زمینه ارائه کند، شرط لازم تحقق عدالت را مهیا کرده است.

۵) اهداف پژوهش

موضوع رساله حاضر موضوعی تطبیقی است. بنابراین در پرتو این مطالعه تطبیقی در حوزه حقوق کیفری می‌توان به نتایجی دست یافت؛ زیرا مهم‌ترین فایده یک مطالعه تطبیقی آن است که از طریق شناخت دو نهاد در دو کشور، نقاط ضعف و قوت آن مشخص شود و به دنبال آن با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی به ارائه یک مدل مناسب، منسجم و بومی در زمینه

۱. کاشانی، محمود؛ *استانداردهای جهانی دادگستری نقد و بررسی قانون دادگاههای عمومی و انقلاب*؛ نشر میزان؛ چاپ اول؛

تابستان ۱۳۸۳؛ ص ۱۰.